

منهای فوتبال

یزدانی در جست و جوی جاوداتی



کاتال المپیک در گزارشی به شرایط حال حاضر حسن یزدانی آزادکار مطرح کشتی دنیا پرداخت. در این گزارش که روی سیاست اتحادیه جهانی نیز بازتاب داشته، آمده است: «حسن یزدانی با داشتن یک مدال طلای المپیک، دو مدال طلای جهانی و بیش از ۵۰ هزار دنبال کننده در پیج اینستاگرام، یک قهرمان ایرانی است. کشتی ورزش ملی ایران است، بنابراین وقتی حسن یزدانی در المپیک ریو در وزن ۷۴ کیلوگرم صاحب مدال طلا شد، فوراً به عنوان یک قهرمان ملی شناخته شد. او در وزن ۸۶ کیلوگرم حضور یافت تا بهتر بتواند رشد کند و توانست دو مدال طلای جهان را از آن خود کند. یزدانی با ۵۰ هزار دنبال کننده پیج شخصی خود در اینستاگرام به عنوان یک کشتی گیر بی باک و بزرگ بین مردم شناخته می شود. یزدانی گفته است: حقیقت این است که امیدوارم لیاقت این عنوان را داشته باشم. هر کدام از عناوین برای من ارزشمند است و امیدوارم متناسب با این نام های مستعار و انتظارات طرفداران بزرگم بتوانم زندگی کنم. من همیشه می خواهم امید آنها را حفظ کنم و امیدوارم که بتوانم این کار را انجام دهم.»

رفتار نا جوانمردانه کرنا

پیمان فخری، رئیس مرکز نظارت بر تیم های ملی کمیته ملی المپیک و عضو ستاد بازی های المپیک و آسیایی در مورد آخرین شرایط رشته های المپیک عنوان داشت: «ما ۵۲ فدراسیون داریم که ۳۲ فدراسیون المپیک هستند و زیر نظر ما فعالیت می کنند. تاکنون ۵۲ سهمیه از ۱۱ رشته ورزشی کسب کرده ایم و به نوعی از زیبایی های ما تاکنون محقق شده است. برای رشته های همچون بسکتبال کمتر تصور می کردیم که بتوانیم سهمیه کسب کنیم، چون چینی ها میلیارد دلار هزینه کرده بودند، اما خوشبختانه این اتفاق صورت گرفت.» وی با بیان اینکه در تلاش هستیم تا قهرمانان رشته های مختلف در دوران کرنا از نظر روحی شرایط خوبی داشته باشند، خاطر نشان کرد: «مانی که کرنا شروع شد همه منتظر بودند که خیلی زود همه چیز به روال عادی بازگردد، چون کسی توقع نداشت که با این همه سرمایه، قدرت و ثروت اوضاع اینگونه شود. کمیته بین المللی المپیک هم توقع دارد که قهرمانان در این مدت از نظر روحی در شرایط خوبی قرار بگیرند.» فخری گفت: «فشار و پروس کرنا نا جوانمردانه است. کرنا ضربات جبران ناپذیری به بدن افراد مخصوصاً ریه ها وارد می کند. ریه یک ورزشکار بسیار اهمیت دارد و مشخص نیست که اگر آسیب ببیند می تواند به شرایط عادی بازگردد یا خیر. ما جز اولین از گان هایی بودیم که مرافقت ها را شروع کردیم.»

ارسالان فینالیست برترین دانک جهان

در ادامه رقابت مجازی برای انتخاب برترین حرکت اسلم دانک جهان در یک دهه اخیر، ارسالان کاظمی ستاره بسکتبال کشورمان توانست با پشت سر گذاشتن حریف برزلی خودرهای فینال شود. در این رقابت که به صورت رای گیری از علاقمندان به بسکتبال است و توسط فدراسیون جهانی راه اندازی شده، ارسالان کاظمی در فینال باید با کارلوس مورایس روبرو شود. او پیش از این حرفه ای از لبنان، ژاپن و فیلیپین را شکست داده بود.

آذربایتری

تیم دوم والیبال ارومیه

محمد حضرت پسر، رییس هیات والیبال آذربایجان غربی اعلام کرد که سهمیه دوم لیگ برتری این شهر به نام «آذربایتری» در رقابت های فصل ۹۹ حضور خواهد یافت. شهرداری جوان ارومیه، عنوان تیم دسته یک باشگاه شهرداری در فصل گذشته موفق شده بود با پیروزی در تمام بازی های خود، جواز حضور در لیگ برتر را کسب کند و مقرر شد تیم دوم شهرداری ارومیه بانام آذربایتری در لیگ برتر حاضر شود. همچنین بازیکنان و کادر فنی تیم والیبال شهرداری ارومیه ظهر روز شنبه، هفتم تیرماه خود را به سرپرست تیم معرفی خواهند کرد و عصر همان روز طی برنامه هایی که به منظور پیش آمادگی فصل جاری تدارک دیده شده کار آغاز خواهد شد. تیم والیبال شهرداری ارومیه فصل پیش رو با هدایت پیمان آکبری در رقابت های لیگ برتر باشگاه های کشور حضور پیدا خواهد کرد.

پایانی باشکوه بر سه دهه انتظار

ورنگ ها همگان قرمز...

تمام شد. همه آن انتظار ها، همه آن اشتباه ها، همه آن لیز خوردن ها، همه آن لغزش های دقیقه نودی. همه آن سال های گیر افتادن در میانه های جدول لیگ برتر، برای لیور پولی ها به پایان رسیدند. همه آن سال های زل زدن به قهرمانی رقبا در اوج حسرت، برای لیور پولی ها به پایان رسیدند. «در پایان توفان، یک آسمان طلایی در انتظار توست. تو هرگز تنها قدم نمی زنی». این بخشی از شعر معروف طرفداران در آنفیلد است که حالا بیشتر از همیشه به حقیقت شباهت دارد. در همه تاریخ لیگ برتر، هیچ تیمی نتوانسته به این زودی قهرمانی اش را قطعی کند. آنها یک تیم رویایی هستند. یک تیم درخشان که تا سال های سال به یاد آورده خواهد شد.



بازیکنان این تیم نمی توانند در کنار هم جشن بگیرند و به خوشحالی نپردازند. پیروزی فراتر از یک پیروزیه است. برای لیور پولی ها، گوار دیولا، قهرمانی لیور پولی ها را خیلی زود قطعی کرد. این عادت همیشگی باشگاه چلسی است که قهرمانی را به باشگاه های مختلف هدیه می دهد. لیور پولی ها هم در این باره، جام را بالای سر می برد اما باز هم طرفداران قرمزها، نمی توانند در این لحظات سرشار از شادی و غرور نباشند. اما باز هم

آر با هنورد

همه می دانستند که این اتفاق بالاخره رخ خواهد داد. همه می دانستند که این تیم دیر بازود قهرمان این فصل می شود. همه می دانستند که این تیم، جام را بالای سر می برد اما باز هم طرفداران قرمزها، نمی توانند در این لحظات سرشار از شادی و غرور نباشند. اما باز هم

سوز روز

درباره مردی که طرفدار آرامش نیست

عصبانی هستم!

آر با طاری

اخراج فرهاد مجیدی در یک استادیوم خالی، او را تنها به اندازه چند متر از نیمکت تیمش دور کرد اما شوک روحی ناشی از این اخراج شاید از هر دو کارت قرمز دیگر آبی ها شدیدتر بود. چرا که ستاره های تیم، در آن لحظه خاص از مسابقه احساس کردند که به جای کمک گرفتن از سرمربی تیم، باید سرگرم آرام کردن او در کنار زمین باشند. حالا دیگر مجیدی نمی تواند از

عصبانیت، آرنج ها و اعتراض های مداوم شاگردانش در استقلال شاکی باشد، چرا که خود او نیز، هرگز در کنار زمین عصبانیتش را کنترل نکرده است. شروع استقلال هادر بازگشت دوباره فوتبال، کاملاً امیدوار کننده به نظر می رسید. آنها در غیاب چند مهره مهم، موقعیت های زیادی روی دروازه فولاد به وجود آوردند و سرانجام موفق به باز کردن دروازه این تیم شدند. حتی گل تساوی تیم میزبان، نمی توانست خنده بزرگی به عملکرد آنها در این جدال وارد کند اما آبی ها ظرف چند دقیقه، همه چیز را از دست دادند. بر خور د علی کریمی با هافبک رقیب، موجبات اخراج او از زمین را فراهم کرد و ثانیه هایی بعد، فرهاد مجیدی نیز از کنار زمین اخراج شد. همین چند اتفاق برای شکست خوردن کافی به نظر می رسید. این بازی، یک نبرد فوق العاده

اتفاق روز

اولین تجربه، اولین شکست

فریاد آرنا!

اولین سکانس ها از بازگشت دوباره فوتبال در ایران، رابطه مستقیمی با امیدواری به سر نوشت لیگ نوزدهم نداشته است. چرا که به نظر می رسد باشگاه های وطنی نه فقط در رعایت پروتکل ها، بلکه در زمینه رعایت اصول حرفه ای اولیه برای دیدار های فوتبال نیز با مشکل مواجه هستند. در واقع همه دست اندکاران فوتبال و رسانه در ایران، نمی توانند یک «محصول» جذاب به هواداران این رشته ورزشی ارائه کنند. در نبرد استقلال و فولاد،

سیستی، جام را به دست های لیور پول برساند. البته که حتی بدون این نتیجه نیز، لیور پول قهرمان لیگ می شد اما پسران کلوب علاقه زیادی داشتند تا هر چه زودتر، این عنوان را به دست بیاورند. آنها منچستر سیتی را به عنوان یکی از رقبای ترس و پرمهره ترین تیم های تاریخ لیگ برتر، با اختلاف قابل توجهی کنار زدند. آنها پس از دو فصل، از سایه سیتی خارج شدند و کاری

کردند که تیم پپ، تیمی «متوسط» به نظر برسد. این تنها قرمزهای آنفیلد بودند که می توانستند دست به چنین کاری بزنند. این تنها پورگن و شاگرد ها بودند که می توانستند این بلا را سر سیتیزن ها بیاورند. آنها بخش مهمی از هیجان این فصل رقابت های لیگ برتر را از بین بردند. آنها کاری کردند که کورس قهرمانی رقابت های این فصل لیگ برتر، دیگر هیجان انگیز و

به گروه داوری استفاده کرده است. به نظر می رسد حتی هواداران استقلال نیز دیگر از چنین واکنش هایی در کنار زمین، حمایت نمی کنند. این عکس های «رگ گردنی» که زمانی نماد تعصب به باشگاه در صفحه های هواداری بود، حالا با انتقاد تند و تیز طرفداران باشگاه نیز روبرو می شود. چرا که همه می دانند استقلال بیشتر از همه این ژست ها، به ثبات و آرامش نیاز دارد. دوران جست و جوی مقصر در این باشگاه، دیگر باید به پایان برسد. دوران انتقاد همیشگی از داوران در این باشگاه، دیگر باید به پایان برسد. فرهاد به عنوان یک مربی باهوش، باید کاتالیزور یک تغییر بزرگ باشد اما او به شکل نگران کننده ای، خودش به بخشی از این جو تبدیل شده است. این تنها توانایی فنی نیست که می تواند از فرهاد، یک مربی درجه یک بسازد. او باید قابلیت بیشتری برای «هدیریت» جریان بازی های حساس داشته باشد. او باید

به جای فروپاشی به محض اولین تصمیم ناخوشایند داور، به تکیه گاهی برای ستاره های تیمش تبدیل شود. مجیدی می تواند یکی از دیده های نسل جدید مربیگری در فوتبال ایران باشد اما روندی که او

لیگ برتر را بر جسته تر کند، به یک جنگ اعصاب واقعی بدل شد و در عمل، یک افتضاح تمام عیار بود.

بر گزار کنندگان لیگ برتر و همچنین ستاره های دو تیم نیز در رقم خوردن چنین وضعیتی به شدت مقصر به نظر می رسند. سازمان لیگ اصراً قابل توجهی به برگزاری بازی ها دارد اما از فراهم کردن ساده ترین شرایط ممکن برای انجام دیدار ها، عاجز است. تصاویری که در روز های گذشته از پرواز آبی ها به سمت اهواز منتشر شده، از یک خطر بزرگ حکایت دارد. جالب اینجاست که شرکت های هواپیمایی در هر شرایطی تنها به فروش بلیت بیشتر فکر می کنند و سلامتی مردم اهمیت زیادی برای آنها ندارد. در تمام دنیا

نفس گیر به نظر نرسد. آنها دست به کاری زدند که سر نوشت این فصل از فوتبال انگلیس، به شکل وحشتناکی قابل پیش بینی به نظر برسد. آنها با تیمی که در طول چند فصل ساختند، سزاوار چنین سر نوشتی بودند. تیمی که چند ستاره مهم مثل کوتینیو را از دست داد اما کوتاه نیامد. تیمی که خرید هایی نجومی و عجیب نداشت اما به تریبی هماهنگ و فوق العاده دست پیدا کرد.

بدون تردید مرد اول این پیروزی بزرگ، هیچ کس به جز یوگن کلوب نبود. در این سه دهه، مربیان زیادی روی نیمکت قرمزهای آنفیلد نشستند اما هیچ کدام شان، چنین تیم مقتدر و خارق العاده ای نساختند. هواداران لیور پول، دیگر طعم قهرمانی لیگ را از یاد برده بودند. بسیاری از آنها، در طول زندگی شان تجربه تماشای مراسم قهرمانی این باشگاه را نداشتند اما حالا دیگر اوضاع کاملاً فرق می کند. کلوب تیمش را به تدریجی ترین شکل ممکن ساخت. تیمی که در اولین قدم ها، مشکلات دفاعی قابل توجهی داشت اما سه مرور زمان، صاحب ساختاری بی نقص شد.

تیمی که حساس ترین دیدار ها را با لغزش پشت سر می گذاشت اما در این فصل، دیگر اشتباه های گذشته اش را تکرار نکرد. وقتی کلوب لیور پول را برای سرمربیگری انتخاب کرد و به پیشنهاد این باشگاه پاسخ مثبت داد، پیشنهاد های زیادی از باشگاه های مختلف به این مربی رسیده بود. این انتخاب برای خیلی ها تعجب برانگیز به نظر می رسید. چرا که آقای مربی مستتریان فرو تمند تر و آماده تری هم داشت. لیور پول در زمان جذب کلوب، آماده رسیدن به یک موفقیت بزرگ نبود اما به مرور زمان، شرایط برای یک درخشش بزرگ فراهم شد. آنها مرد درستی را روی نیمکت داشتند و همین موضوع، برای تجربه یکی از بهترین مقاطع تاریخ باشگاه، کافی به نظر می رسید. مقطعی که خیلی از بچه های کم سن و سال را

وقتی کلوب لیور پول را برای سرمربیگری انتخاب کرد و به پیشنهاد این باشگاه پاسخ مثبت داد، پیشنهاد های زیادی از باشگاه های مختلف به این مربی رسیده بود. این انتخاب برای خیلی ها تعجب برانگیز به نظر می رسید. چرا که آقای مربی مستتریان فرو تمند تر و آماده تری هم داشت. لیور پول در زمان جذب کلوب، آماده رسیدن به یک موفقیت بزرگ نبود اما به مرور زمان، شرایط برای یک درخشش بزرگ فراهم شد.

هوادار باشگاه لیور پول کرد. قرمزها در این سه سال، دوباره به فینال لیگ قهرمانان رسیده اند و یک بار نیز لیگ برتر را فتح کرده اند. تجربه هایی که در خوش بینانه ترین رویاهای طرفداران این تیم نیز نمی گنجیدند. کلوب پایانی باشکوه برای سه دهه انتظار لیور پولی ها ساخت. اما هرگز نباید تصور کرد که او در همین نقطه متوقف می شود. هرگز نباید تصور کرد که او دست از تعقیب رویاهای جدید بر می دارد.

خیلی ها تصور می کردند قهرمانی دوباره لیور پول پس از ۳۰ سال، روبروی قبا های هیجان انگیز سکوها ی آنفیلد رقم بخورد اما این جام در وضعیتی به دست آمد که از مدت ها قبل، هیچ تماشاگری به استادیوم های فوتبال وارد نشده است. جشن قهرمانی این فصل لیور پول هم در استادیوم خالی انجام می گیرد اما نمی شود انتظار داشت که طرفداران این باشگاه بیرون از استادیوم، یک جشن قهرمانی بزرگ برپا کنند البته که فاصله اجتماعی مهم است اما مهم تر از آن، به پایان رسیدن فاصله لیور پولی ها با جام قهرمانی لیگ برتر است. اتفاقی که پس از ۲۰ سال، بالاخره رقم خورده است.

برای خودش انتخاب کرده، این مربی را از رسیدن به اهدافش دور خواهد کرد. فرهاد در بین استقلال های، یک چهره مقبول است و در بین بازیکنان نیز شخصیت پذیرفته شده ای دارد اما این نا آرامی همیشگی در کنار زمین، اجازه نمی دهد او تمرکز کاملی روی کار مهمی که انجام می دهد، داشته باشد.

عجیب به نظر می رسد که در نقد عصبانیت فرهاد مجیدی، آندره آستر اما چونی را مثال می زنند. مردی که اتفاقاً خودش در کنار زمین، دائماً عصبانی به نظر می رسید و حتی شدیدتر و مداوم تر از فرهاد، به عملکرد داورها اعتراض می کرد. ظاهراً مجیدی در این زمینه از استوار اما الگو گرفته اما از آن جایی که داوران ایرانی مربیان خارجی را سخت تر اخراج می کنند، نمود این اتفاق برای مجیدی متفاوت بوده است. فرهاد به جای تلاش برای شبیه بودن به دیگران، باید اضمای خودش را پیدا کند. او باید تیمی بسازد که هیچ داوری نتواند به همین سادگی نفش را بگیرد. برای فرهاد و استقلال، هنوز دیر نبوده اما در فوتبال، گاهی از دست دادن یک فرصت ساده نیز مقدمه ای برای رفتن به استقبال بر تگاه خواهد بود.



و بیشتر از فوتبال، برای جنگ به زمین رفته بودند. همه این عوامل در کنار هم، اولین شکست فوتبال ایران را در بازگشت از بحران کرونا رقم زد. شاید تعطیلی لیگ، بهترین راهکار ممکن نباشد اما بدون تردید با این روند نمی توان بازی ها را ادامه داد. وقتی مسائل بیرونی دائماً ماجراهای درون زمین مهم تر می شوند، وقتی تمرکز بازیکنان در جریان تاختن به داور و سرزنش تصمیم های او از دست می رود، وقتی همه اصول بهداشتی شماری هستند و رنگ حقیقت نمی گیرند، نباید از این فوتبال انتظار زیادی داشته باشیم. در ایران فوتبال نه سرگرم کننده است و نه حتی دلگرم کننده. در ایران، فوتبال بازی می کنیم تا بهانه تازه ای برای جنگیدن علیه هم داشته باشیم.

شرکت های هوایی بلیت های صندلی ها را در ایام کرونا با فاصله نسبت به هم می فروشد و حتی مسافران را نیز با فاصله سوار می کنند. باشگاه های فوتبال هم دائماً با پرواز های اختصاصی جابه جا می شوند اما در ایران، استقلال ای باید درست وسط یک جمعیت گسترده، خودشان را به شهر محل میزبانی تیم شان برسانند. درباره کیفیت فنی اولین مسابقه لیگ در دوران کرونا، نمی توان حرف چندان زیادی زد. چرا که این بازی، کاملاً تحت تاثیر حواشی جنجالی خاص خودش قرار گرفت. داور مسابقه علاقه ای به «هدیریت» کردن جریان بازی نداشت و تصمیم داشت «قهرمان بازی» در بیاورد. ستاره های با تجربه دو تیم نیز در هر شرایطی دست به اعتراض می زدند

لیگ برتر را بر جسته تر کند، به یک جنگ اعصاب واقعی بدل شد و در عمل، یک افتضاح تمام عیار بود. بر گزار کنندگان لیگ برتر و همچنین ستاره های دو تیم نیز در رقم خوردن چنین وضعیتی به شدت مقصر به نظر می رسند. سازمان لیگ اصراً قابل توجهی به برگزاری بازی ها دارد اما از فراهم کردن ساده ترین شرایط ممکن برای انجام دیدار ها، عاجز است. تصاویری که در روز های گذشته از پرواز آبی ها به سمت اهواز منتشر شده، از یک خطر بزرگ حکایت دارد. جالب اینجاست که شرکت های هواپیمایی در هر شرایطی تنها به فروش بلیت بیشتر فکر می کنند و سلامتی مردم اهمیت زیادی برای آنها ندارد. در تمام دنیا